

مزاحمت؛ تهاجمی علیه تمامیت روانی اشخاص، در نظام‌های کیفری ایران و انگلستان

سید محمد حسینی^۱

تاریخ دریافت: ۹۴/۰۷/۱۸

دانشیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران

تاریخ تأیید: ۹۴/۱۰/۱۳

امیر اعتمادی^۲

دانش‌آموخته دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه علوم قضایی و خدمات اداری

چکیده

جرم مزاحمت از جرایمی است که ارتکاب آن موجبات آشفتگی خاطر و چه بسا شدید بزه‌دیده را فراهم می‌آورد، به گونه‌ای که در مواردی ممکن است، بزه‌دیده دچار نوعی حالت روانی گردد. از این رو می‌توان پذیرفت که این جرم در وهله نخست تمامیت روانی بزه‌دیده را هدف قرار می‌دهد. بر این اساس، در نظام کیفری انگلستان، هرگونه رفتار ایجادکننده مزاحمت علیه هر شخصی با لحاظ شرایطی می‌تواند منجر به تحقق جرم مزاحمت گردد، ضمن این که، جرم مزاحمت به‌طور کلی به دو نوع ساده و مشدد تقسیم می‌شود. با این حال، بررسی نظام کیفری ایران نشان می‌دهد که قانونگذار ایرانی در زمینه جرم مزاحمت، بر ارتکاب آن علیه بزه‌دیدگان خاصی یا با استفاده از وسیله معینی، تمرکز کرده است. چنین رویکردی به نادیده گرفتن سایر رفتارهای ایجادکننده مزاحمت می‌انجامد و امکان مقابله مؤثر با جرم مزاحمت را فراهم نمی‌آورد. بنابراین مناسب آن است که قانونگذار ایرانی جرم مزاحمت را در مفهومی عام‌تر مورد پذیرش قرار دهد. واژگان کلیدی: ایجاد مزاحمت، آشفتگی خاطر بزه‌دیده، تهاجم، تمامیت روانی.

مقدمه

ایجاد مزاحمت برای اشخاص از جرایمی است که ارتکاب آن موجب می‌شود، بزه‌دیده دچار آشفتگی خاطر درخور توجهی گردد و آسایش و آرامش او بر هم ریزد، بدون این که لزومی داشته باشد که رفتار ارتكابی از سوی مرتکب موجبات ترس از اعمال خشونت را در بزه‌دیده فراهم آورد. بر این اساس، و از آنجا که تحقق جرم مزاحمت نیازی به ایراد هیچ‌گونه صدمه جسمانی ندارد، باید پذیرفت که شخص مزاحم با رفتار خود، تمامیت روانی بزه‌دیده را هدف قرار می‌دهد، به گونه‌ای که می‌توان این جرم را به‌منزله تهاجمی علیه تمامیت روانی اشخاص به شمار آورد.

1. Email: Smhosseini8338@Yahoo.com

2. Email: Am.etemadi@Gmail.com

«نویسنده مسئول»

با وجود اهمیت ویژه موضوع یادشده، و علی‌رغم این که ایجاد مزاحمت برای دیگران، از یک‌سو به شیوه‌های گوناگونی تصورشدنی است و از سوی دیگر، منحصر به بزه‌دیدگانی خاصی مانند زنان نیست، اما قانونگذار ایرانی این عمل را تنها در مواردی جرم انگاری کرده است که یا بزه‌دیده آن اطفال و زنان باشند یا این که مزاحمت از طریق تلفن یا سایر دستگاه‌های مخابراتی انجام شود. ظاهراً دلیل این رویکرد مقنن در خصوص مزاحمت از نوع اخیرالذکر، که برخی آن را به‌عنوان یکی از مصادیق جرایم علیه حریم خصوص بررسی کرده‌اند (آقایی‌نیا، ۱۳۹۲، صص ۱۹۹ و ۲۲۷)، آن است که امروزه استفاده از تلفن و وسایل ارتباطی مختلف بسیار شایع شده است؛ به‌نحوی که کسانی که بنابر تمایلات ضدّ اجتماعی به ایجاد مزاحمت برای دیگران سوق داده می‌شوند، برای ارتکاب رفتار موردنظر با دشواری چندانی روبه‌رو نخواهند شد اما درباره مزاحمت برای زنان و اطفال، گفته می‌شود که یکی از علت‌هایی که قانونگذار، این جرم را در ماده جداگانه‌ای پیش‌بینی کرده، این است که زنان و اطفال به دلیل خصوصیات جسمی و روحی، بیشتر از مردان بزرگسال آسیب‌پذیر هستند و به‌طورمعمول قدرت دفاع از خود را ندارند، لذا قانونگذار حمایت جدی‌تری از ایشان به عمل آورده است (زراعت، ۱۳۸۸، ص ۳۳۱).

افزون بر این، در علم بزه‌دیده‌شناسی،^۱ به‌عنوان یکی از شاخه‌های جرم‌شناسی^۲ نیز به طورمعمول وضعیت بزه‌دیدگان زن و کودک، به دلیل اهمیت ویژه آن، به‌طور خاص و مجزا بررسی می‌شود (ر.ک. لپز و فیلیزولا، ۱۳۸۸، صص ۳۱ تا ۴۸)، اما این به معنای آن نیست که بزه‌دیدگی در جرم مزاحمت اختصاص به این قشر داشته باشد، بلکه مزاحمت ممکن است، نسبت افراد ذکور بزرگسال هم صورت گیرد و آثار بسیار ناگواری برای آن‌ها داشته باشد. به همین دلیل، جرم مزاحمت در نظام کیفری انگلستان به مواردی که بزه‌دیده، زن یا کودک است، یا وسیله خاصی به کار رود، محدود نشده است و قانونگذار انگلیسی، امکان ارتکاب این جرم علیه کلیه اشخاص، اعم از مرد، زن یا کودک را صرف‌نظر از وسیله مورداستفاده پیش‌بینی کرده است. با توجه به مطالب اشاره شده، پرسش‌هایی بدین شرح مطرح می‌شوند:

ویژگی‌های مثبت و منفی رویکرد نظام‌های کیفری ایران و انگلستان در مقابله با ایجاد مزاحمت برای اشخاص کدام‌اند؟ وجوه افتراق و اشتراک دو نظام کیفری شامل چه مواردی است؟ چه راهکارهایی می‌توان به قانونگذار ایرانی پیشنهاد کرد؟

1. Victimology.
2. Criminology.

در پاسخ به این سؤالات، بعد از تعریف جرم مزاحمت و اشاره‌ای مختصر به پیشینه قانونگذاری آن، به تحلیل عناصر اختصاصی این جرم می‌پردازیم؛ سپس با بررسی وجوه افتراق و اشتراک دو نظام کیفری، راهکار(های) پیشنهادی را ارائه خواهیم کرد.

۱. تعریف مزاحمت^۱

مزاحمت در لغت به معنای ایجاد زحمت کردن، زحمت دادن، رنج رساندن و زحمت است. (انوری و همکاران، ۱۳۸۵، ص ۲۱۶۲) در اصطلاح حقوق کیفری و به‌طور خاص در انگلستان، جرم مزاحمت به صورت زیر تعریف شده است:

شخصی که جریان رفتاری‌اش باعث می‌شود که دیگری حداقل در دو مورد بترسد، از این که خشونت علیه او به کار گرفته خواهد شد، به علت جرم مزاحمت تقصیرکار است، منوط به این‌که وی آگاه بوده یا می‌بایست آگاه باشد که جریان رفتاری‌اش باعث خواهد شد که دیگری درباره هر یک از آن رویدادها بترسد (کرزون و ریچاردز، ۱۳۹۰، ص ۳۱۸).

در تبیین جرم مزاحمت به‌طور کلی و نه لزوماً در نظام کیفری معینی، می‌توان گفت که مزاحمت در واقع، هر گفتار یا رفتاری (به‌طور معمول مکرر یا پیاپی) است که شخص خاصی را هدف قرار می‌دهد، آن شخص را آزار می‌دهد، به وحشت می‌اندازد و یا باعث رنج احساسی درخور ملاحظه در او می‌گردد؛ ضمن این‌که هیچ هدف مشروعی را برآورده نمی‌کند. (Garner, 2009, P. 784)

همان‌طور که از این تعاریف می‌توان استنباط کرد، آنچه برای تحقق جرم مزاحمت ضروری است، فراهم کردن موجبات آزار و اذیت دیگری است، که این امر می‌تواند به شیوه‌های مختلفی انجام گیرد. البته، در بعضی از موارد، اعمال شخص مزاحم باعث ایجاد هراس در بزه‌دیده نیز می‌شوند، به این معنا که بزه‌دیده در اثر اعمال آزاردهنده دچار ترس از اعمال خشونت احتمالی خواهد شد. در تحلیل عناصر اختصاصی جرم مزاحمت، این موضوع را با جزئیات بیشتری بررسی می‌کنیم.

۲. پیشینه قانونگذاری مزاحمت

در نظام کیفری ایران، جرم مزاحمت برای زنان، نخست به‌موجب لایحه قانونی راجع به مجازات حمل چاقو و انواع دیگر اسلحه سرد و اخلاف در نظم و امنیت و آسایش عمومی ۱۳۳۶ پیش‌بینی شد. ماده ۳ این لایحه مقرر می‌داشت:

1. Harassment.

«هر کس در اماکن عمومی و یا معابر متعرض و یا مزاحم زنی بشود و یا با الفاظ و یا حرکات مخالف شئون و حیثیت به او توهین نماید، به حبس از دو ماه تا هشت ماه محکوم خواهد شد».

قانونگذار، در قانون تعزیرات ۱۳۷۵، مفاد ماده فوق را با اندک تغییراتی در قالب ماده ۶۱۹ تصویب کرد. این تغییرات عبارت‌اند از: اضافه کردن اطفال در کنار زنان به‌عنوان بزهدیدگان این جرم، کاهش میزان حبس به دو ماه تا شش ماه و افزودن مجازات شلاق. اما جرم مزاحمت تلفنی، گرچه در برخی بخش‌نامه‌ها و آیین‌نامه‌های سال‌های دور به‌نوعی مورد توجه قرار گرفته بود (برای اطلاع از مفاد این موارد، ر.ک. زراعت، ۱۳۸۸، ص ۴۶۵)، با این‌وجود، سرانجام به‌موجب ماده ۶۴۱ قانون تعزیرات ۱۳۷۵ به‌طور خاص جرم انگاری شد.

در نظام کیفری انگلستان، جرم ایجاد مزاحمت ابتدا به‌موجب قانون نظم عمومی ۱۹۸۶^۱ از سوی قانونگذار انگلیسی مورد توجه قرار گرفت. ماده ۵ این قانون که به این جرم اختصاص یافت، مربوط به جایی است که مرتکب به‌وسیلهٔ اعمالی مانند رفتار یا گفتار تهدیدآمیز یا نوشته یا علامت تهدیدآمیزی باعث مزاحمت دیگری می‌شود.^۲ در سال‌های بعد، قانون فوق بر اساس قانون عدالت کیفری و نظم عمومی ۱۹۹۴^۳ با اصلاحاتی مواجه شد. یکی از این اصلاحات که با جرم مزاحمت مرتبط است، الحاق شدن ماده ۴ «الف» به قانون سال ۱۹۸۶ است. این ماده، اگرچه از لحاظ عنصر مادی مشابه با ماده ۵ به شرح بالا است، اما از حیث عنصر روانی، مرتکب باید با قصد ایجاد مزاحمت برای شخصی^۴، اعمال مربوط را انجام دهد (See Herring, 2013, PP. 76 and 77; Martin, 2003, P. 227). در حال، جرایم مزاحمت موضوع این قانون که بر اساس قانون جرم و دادگاه‌ها ۲۰۱۳^۵ مجدداً اصلاحاتی داشته‌اند، در شمار جرایم مربوط به نظم عمومی^۶ طبقه‌بندی می‌شوند.

1. Public Order Act 1986.

۲. باید خاطر نشان کرد که، در نظام کیفری ایران، رفتار یا گفتار تهدیدآمیز می‌تواند به‌طور مستقل از جرم مزاحمت، و زیر عنوان مجرمانهٔ خاصی (تهدید کردن اشخاص)، مطرح شود؛ از جمله، ر.ک. ماده ۶۶۹ قانون تعزیرات ۱۳۷۵.

3. Criminal Justice and Public Order Act 1994.

4. With intent to cause a person harassment.

5. Crime and Courts Act 2013.

6. Public Order Offences; See Martin & Storey, 2015, PP. 571 to 574, for example.

اما مزاحمت به‌عنوان جرمی علیه تمامیت روانی اشخاص نخست در قانون حمایت در مقابل مزاحمت ۱۹۹۷^۱ به‌وسیلهٔ پارلمان انگلستان جرم‌انگاری شد.^۲ در حال حاضر، اگرچه این قانون همچنان لازم‌الاجراست اما به‌موجب مادهٔ ۱۲۵ از قانون جرم سازمان‌یافتهٔ شدید و پلیس ۲۰۰۵^۳ و مادهٔ ۱۱۱ از قانون حمایت از آزادی‌ها ۲۰۱۲^۴ با اصلاحاتی روبه‌رو شده است. در این راستا، آنچه به جرم مزاحمت مربوط می‌شود، الحاق شدن بند ۱ «الف» به مادهٔ ۱ قانون حمایت در مقابل مزاحمت ۱۹۹۷ است.

۳. عنصر قانونی مزاحمت

جرم مزاحمت در ایران درواقع به دو گونهٔ مختلف تحقق‌پذیر است، که در مواد ۶۱۹ و ۶۴۱ قانون تعزیرات ۱۳۷۵ پیش‌بینی شده‌اند. این مواد به شرح زیر درخور توجه هستند:

مادهٔ ۶۱۹ دربارهٔ مزاحمت برای اطفال و زنان مقرر می‌دارد:

«هر کس در اماکن عمومی یا معابر متعرض یا مزاحم اطفال یا زنان بشود یا با الفاظ و حرکات مخالف شئون و حیثیت به آنان توهین نماید، به حبس از دو تا شش ماه و تا (۷۴) ضربه شلاق محکوم خواهد شد.»

مادهٔ ۶۴۱ در خصوص جرم مزاحمت تلفنی اِشعار می‌دارد:

«هرگاه کسی به‌وسیلهٔ تلفن یا دستگاه‌های مخابراتی دیگر برای اشخاص ایجاد مزاحمت نماید، علاوه بر اجرای مقررات خاص شرکت مخابرات، مرتکب به حبس از یک تا شش ماه محکوم خواهد شد.»

نکته‌ای که باید متذکر شد، این است که مادهٔ ۶۱۹ افزون بر مزاحمت، به تعرض یا توهین نسبت به اطفال و زنان نیز تصریح دارد و با وجود این که ممکن است، مزاحمت در معنای عام کلمه بتواند هر دو این موارد را شامل شود، با این توضیح که عبارت «متعرض یا مزاحم اطفال و زنان شود» را مزاحمت عملی قلمداد کنیم و جملهٔ «با الفاظ و حرکات مخالف شئون و حیثیت به آنان توهین نماید» را ناظر بر مزاحمت لفظی به شمار آوریم، با توجه به استفاده از واژهٔ «یا» در بین عبارات مادهٔ فوق، ظاهراً منظور مقنن مستقل بودن هر یک از این اعمال است؛ ضمن این که، توهین به اشخاص به‌طور کلی عنوان مجرمانهٔ مجزایی تلقی می‌شود. بر این اساس، مادهٔ مورد بحث فقط

1. Protection from Harassment Act 1997.

2. Available at: [http://www.legislation.gov.uk/all?title=Protection from Harassment Act](http://www.legislation.gov.uk/all?title=Protection%20from%20Harassment%20Act).

3. Serious Organised Crime and Police Act 2005.

4. Protection of Freedoms Act 2012.

محدود به مزاحمت نمی‌شود، بلکه عناوین یادشده نیز چه بسا جداگانه مطرح شوند. با این همه، در تحلیل عناصر اختصاصی جرم ماده ۶۱۹، تنها بر مزاحمت برای اطفال و زنان تکیه خواهیم کرد. به هر حال، در انگلستان، جرم مزاحمت را باید با توجه به مواد ۱ و ۲ از قانون حمایت در مقابل مزاحمت ۱۹۹۷ بررسی کرد. علت این توجه توأمان به مواد مذکور آن است که ماده ۱ قانون فوق صرفاً به تبیین مفهوم مزاحمت برای دیگری پرداخته است، بدون این که مجازاتی را برای آن تعیین کند؛ از این رو، نمی‌تواند به تنهایی عنصر قانونی جرم مزاحمت تلقی شود اما ماده ۲، ضمن اشاره به این که هر کس جریانی رفتاری را در نقض ماده ۱ قانون دنبال کند، مرتکب جرم مزاحمت شده است، مجازات مرتکب را نیز تعیین کرده است. ماده ۱ از قانون حمایت در مقابل مزاحمت ۱۹۹۷ در زیر آورده می‌شود:

(۱) شخص نباید جریانی رفتاری را دنبال کند که:

الف) برابر با مزاحمت دیگری باشد؛

ب) این که می‌داند یا می‌بایست بداند که برابر با مزاحمت دیگری است.

۱ الف) شخص نباید جریانی رفتاری را دنبال کند که:

الف) شامل مزاحمت برای دو یا چند نفر می‌شود؛

ب) می‌داند یا باید بداند که شامل مزاحمت برای آن اشخاص می‌شود؛

پ) به وسیله آن قصد کند که هر شخصی (خواه یکی از اشخاص اشاره شده در بالا، خواه غیر او) را برانگیزد که:

* کاری که محق یا ملزم است که انجام دهد را انجام ندهد؛

** کاری انجام دهد که موظف به انجام دادن آن نیست.

(۲) در راستای اهداف این ماده، شخصی که جریان رفتاری اش مورد بررسی است، می‌بایست

بداند که جریان رفتار برابر یا شامل مزاحمت دیگری است، اگر شخص متعارف با دارا بودن همان اطلاعات، متوجه بوده که این جریان رفتاری برابر یا شامل مزاحمت دیگری بوده است.

(۳) بند ۱ یا ۱ «الف» نسبت به جریان رفتاری اعمال نمی‌شود، اگر شخصی که آن را دنبال می‌کرده، اثبات کند که:

الف) جریان رفتاری با هدف جلوگیری یا بازداشتن از جرم دنبال شده بوده است؛

ب) جریان رفتاری بر اساس هر حکم یا قاعده قانون دنبال شده بوده، یا به منظور تبعیت از

هر قید یا شرط تکلیف شده توسط هر فردی، به موجب هرگونه حکمی، بوده است؛

پ) در اوضاع و احوال معینی، مبادرت به جریان رفتاری موردنظر معقول بوده است.^۱ عنصر مادی و عنصر روانی جرم مزاحمت در حقوق انگلستان با در نظر گرفتن مفاد این ماده تحلیل‌شدنی هستند. بنابراین، بررسی ماده ۲ قانون حمایت در مقابل مزاحمت ۱۹۹۷ را به بحث از مجازات جرم مزاحمت موکول می‌کنیم. همچنین، باید متذکر شد که فقره شدیدتری از جرم مزاحمت در ماده ۴ قانون حمایت در مقابل مزاحمت ۱۹۹۷ پیش‌بینی شده است، اما از آنجا که مقتضیات مشابهی را دارا است، در تحلیل عناصر جرم مزاحمت، به مقتضیات خاص آن اشاره می‌کنیم.

۴. عنصر مادی مزاحمت

جرم مزاحمت در ایران و انگلستان در زمره جرایم مقید است. مؤید این برداشت، از یک‌سو مفاد مواد ۶۱۹ و ۶۴۱ قانون تعزیرات ۱۳۷۵ است، که به مزاحمت برای اطفال و زنان یا ایجاد مزاحمت از طریق دستگاه‌های مخابراتی تأکید دارند و از سوی دیگر، ماده ۱ قانون حمایت در مقابل مزاحمت ۱۹۷۷ است، که به جریان رفتاری برابر با مزاحمت یا شامل آن تصریح دارد. بنابراین، بررسی عنصر مادی جرم مزاحمت منوط به تحلیل سه جزء رفتار فیزیکی، شرایط لازم برای تحقق این جرم و نتیجه مجرمانه است.

۴-۱- رفتار فیزیکی

درباره جرم ماده ۶۱۹ قانون تعزیرات ۱۳۷۵، از آنجا که قانونگذار فقط به ذکر عبارت «... مزاحم اطفال یا زنان بشود» اکتفا کرده است؛ روشن می‌شود که نوع خاصی از رفتار فیزیکی

-
1. (1) A person must not pursue a course of conduct
 - (a) which amounts to harassment of another, and
 - (b) which he knows or ought to know amounts to harassment of the other.
 - (1 A) A person must not pursue a course of conduct—
 - (a) which involves harassment of two or more persons, and
 - (b) which he knows or ought to know involves harassment of those persons, and
 - (c) by which he intends to persuade any person (whether or not one of those mentioned above)—
 - (i) not to do something that he is entitled or required to do, or
 - (ii) to do something that he is not under any obligation to do.
 - (2) For the purposes of this section, the person whose course of conduct is in question ought to know that it amounts to or involves harassment of another if a reasonable person in possession of the same information would think the course of conduct amounted to or involved harassment of the other.
 - (3) Subsection (1) or (1A) does not apply to a course of conduct if the person who pursued it shows—
 - (a) that it was pursued for the purpose of preventing or detecting crime,
 - (b) that it was pursued under any enactment or rule of law or to comply with any condition or requirement imposed by any person under any enactment, or
 - (c) that in the particular circumstances the pursuit of the course of conduct was reasonable.

از قبیل فعل یا گفتار مدنظر نبوده است. به تعبیر بهتر، انجام هر رفتاری از سوی مرتکب که موجبات مزاحمت برای اطفال یا زنان را پدید آورد، می‌تواند با لحاظ دیگر مقتضیات این جرم، تحت شمول ماده ۶۱۹ قرار گیرد، مانند آن که مردی در خیابان با انگیزه‌های جنسی به زنی متلک بگوید و به این وسیله، برای او مزاحمت ایجاد کند. فراتر از این، باید دانست که این شق از مزاحمت حتی در مواردی که مرتکب هیچ لفظی به کار نبرد، نیز تحقق‌پذیر است. در این راستا، اداره حقوقی قوه قضائیه در نظریه شماره ۷/۴۸۹۵ مورخ ۱۳۷۳/۸/۱۰ اظهار داشته است:

«هرگاه مسلم شود که مردی به قصد مزاحمت در اماکن عمومی یا معابر زنی را تعقیب کرده و عرفاً هم عنوان مزاحمت بر آن صادق باشد، عمل ارتكابی مشمول صدر ماده ۳ لایحه قانون راجع به مجازات حمل چاقو [ماده ۶۱۹ قانون تعزیرات ۱۳۷۵] خواهد بود و در این مورد فرقی بین این که لفظ یا الفاظی را به کار برده باشد یا نه، نیست.»

در مورد شق دیگر مزاحمت، مذکور در ماده ۶۴۱ قانون تعزیرات ۱۳۷۵، نیز قانونگذار نظر به ارتکاب نوع خاصی از رفتار نداشته؛ زیرا به‌طور کلی به ایجاد مزاحمت از طریق تلفن یا دستگاه‌های مخابراتی اشاره کرده است، بدون این که این امر را به گونه خاصی از رفتار محدود سازد. بنابراین، ارتکاب اعمالی از قبیل برقراری تماس تلفنی با دیگری و بیان مطالبی آزاردهنده، ارسال پیامک‌های مکرر با استفاده از تلفن همراه یا حتی صرف تلفن کردن و ساکت ماندن در پشت تلفن، می‌توانند جرم موضوع ماده ۶۴۱ را محقق سازند.

با همه این احوال، نباید ناگفته گذاشت که علی‌رغم ابهام در گونه‌های رفتاری جرم مزاحمت در حقوق ایران، به نظر می‌رسد که هر دو شق یادشده از این جرم تنها با فعل تحقق‌پذیر است، نه به‌وسیله ترک فعل (برای ملاحظه نظر موافق، ر.ک. آقای نی، ۱۳۹۲، ص ۲۲۸؛ زراعت، ۱۳۸۸، ص ۴۶۳). دلیل این برداشت، آن است که اصولاً ارتکاب جرایم از طریق ترک فعل در حقوق کیفری امری استثنایی است، به‌نحوی که یا قانونگذار باید در عنصر قانونی جرم مربوط به این مورد تصریح کند، یا حکمی کلی در ارتباط با ارتکاب جرم با ترک فعل پیش‌بینی کرده باشد. در همین رابطه، قانونگذار در کتاب «قصاص» قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، ارتکاب «جنایت» از طریق ترک فعل را به‌طور کلی پذیرفته است (ر.ک. ماده ۲۹۵ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲)، با این وجود، کلیت این حکم اختصاص به جنایات دارد که به‌طور معمول به معنای جرایم علیه تمامیت جسمانی اشخاص است، از قبیل قتل یا ایراد ضرب و جرح. افزون بر این، در مواردی ممکن است، ارتکاب جرمی خاص با لحاظ عرف و واقعیات امور از طریق ترک فعل تصورشدنی باشد اما در

غیر از این موارد، باید گفت که ارتکاب جرم تنها از طریق فعل امکان‌پذیر است. البته، چه بسا گفته شود که تعریفی که قانونگذار از جرم در ماده ۲ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ ارائه کرده است (به‌ویژه، با در نظر گرفتن عبارت «هر رفتاری اعم از فعل یا ترک فعل» در آن) حکایت از آن دارد که اصولاً جرم از طریق ترک فعل نیز تحقق‌پذیر است. با این همه، به نظر می‌رسد که جرایم مزاحمت در ایران از قابلیت ارتکاب به‌واسطه ترک فعل برخوردار نیستند.

در حقوق کیفری انگلستان، رفتار فیزیکی لازم برای جرم مزاحمت باید به‌صورت «جریان رفتاری»^۱ برابر با مزاحمت باشد.^۲ این اصطلاح در ماده ۷ قانون حمایت در مقابل مزاحمت ۱۹۹۷ تعریف شده است؛ به‌موجب این ماده، اول اینکه رفتار شامل گفتار نیز می‌شود (بند ۴ ماده ۷)؛ دوم اینکه جریان رفتاری لازم است، حداقل دو رویداد را دربرگیرد (بند ۳ ماده ۷).^۳ این معنای آن است که رویداد واحد، هر قدر آزردهنده، نمی‌تواند موجب تحقق این جرم شود. در برخی موارد، تشخیص این که آیا دو رویداد رخ داده است یا خیر، چندان آسان نیست. در این باره، برخی پرونده‌های انگلیسی به شرح زیر درخور توجه می‌باشند:

* در پرونده واس علیه دادستان به سال ۲۰۰۰^۴، متهم، بزه‌دیده را دنبال کرد و سعی کرد از ورود او به فروشگاه جلوگیری کند. سپس، هنگامی که بزه‌دیده در مدت‌زمان کوتاهی بعد از آن از فروشگاه خارج شد، متهم روبه‌روی او بود. اعمال متهم دو بخش جداگانه از رفتار تلقی شد، و به این دلیل، جریان رفتاری به شمار آمد.

* در پرونده جونز علیه دادستان به سال ۲۰۱۰^۵، متهم تهدید کرده بود که در گاراژی را که از بزه‌دیده اجاره کرده، به رنگ صورتی یا آبی نقاشی کند؛ بسته به جنسیت نوزاد متولد نشده بزه‌دیده که زوجه‌اش آن را باردار بود، متهم همچنین بیان داشت که از

1. A course of conduct.

۲. باید یادآور شد که مسئولیت کیفری ناشی از ترک در حقوق انگلستان امری استثنایی تلقی می‌شود و عمدتاً زیر عنوان استثنای کامن لا مورد توجه قرار می‌گیرد، از قبیل جایی که رابطه خویشاوندی خاص بین دو طرف (مثلاً پدر و فرزند) منجر به تحمیل وظیفه اقدام می‌شود و در نتیجه، ترک وظیفه یادشده، مسئولیت کیفری را در پی خواهد داشت (See Carr & Johnson, 2013, P. 21)؛ از این رو، با توجه به طبع خاص جرم مزاحمت، به نظر می‌رسد که مفهوم جریان رفتاری منصرف از ترک فعل است، به طوری که تحقق آن مستلزم ارتکاب رفتار فیزیکی در معنای خاص (یعنی فعل) است.

3. A course of conduct must involve at least two incidents.

4. Wass v DPP [2000] WL 1151391.

5. Jones v DPP [2010].

شخص یادشده به دلیل پخش کردن شایعاتی درباره او در روستا به پلیس شکایت کرده است. دادگاه عالی^۱ در این خصوص حکم کرد که این دو رویداد به خودی خود برابر با جریان رفتاری تشکیل دهنده مزاحمت نبوده‌اند (See Elliott & Quinn, 2014, P. 168).

نکته‌ای که از پرونده‌های بالا استنباط شدنی است، این است که مفهوم جریان رفتاری در حقوق انگلستان مشابه با مفهوم جرم مرکب^۲ و جرم به عادت^۳ است. توضیح آن که، ارتکاب رفتار واحد از سوی مرتکب کافی نیست، بلکه به عنوان حداقل ضروری است که رفتار مربوط در دو مورد انجام گیرد تا بتوان مجموع آن‌ها را جریان رفتاری محسوب کرد. باین وجود، تفاوت‌هایی بین این مفاهیم وجود دارد: در جرم به عادت لازم است که رفتار واحدی حداقل دو بار تکرار شود، در حالی که به موجب پرونده هیلز به سال ۲۰۰۱^۴، جریان رفتاری لازم نیست، هر بار نوع مشابهی از واقعه باشد، گرچه تکرار رفتار^۵ عاملی است که باید مدنظر قرار گیرد (کراس، ۱۳۹۳، ص ۱۸۹)؛ در جرم مرکب، رفتارهایی ارتكابی جرم موردنظر متفاوت هستند، حال آن‌که، اشاره شد که جریان رفتاری ممکن است رفتارهای مشابه را نیز شامل شود؛ بنابراین، باید گفت که جریان رفتاری در جرم مزاحمت، ویژگی‌هایی از جرایم مرکب و به عادت را توأمان دارا است.

۲-۴- شرایط لازم برای تحقق جرم

در ایران، برای این که رفتار ارتكابی متهم در چارچوب جرم مزاحمت موضوع ماده ۶۱۹ قانون تعزیرات ۱۳۷۵ قرار گیرد، شرط است که در «اماکن عمومی یا معابر» انجام گیرد. درباره مفهوم این اصطلاحها باید گفت: هر جا که در آن جمع غیر محصور بتوانند وارد و خارج شوند، مکان عمومی است، مانند حمام عمومی و مساجد، که ذاتاً اماکن عمومی هستند و مانند خانه‌ای که نمایشگاه کالا شده باشد که بالعرض مکان عمومی شده است و مانند خانه‌ای که دچار حریق شده و اشخاص به آنجا ایاب و ذهاب کنند که به تصادف مکان عمومی شده است (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۸، ج ۱/ص ۶۱۲)؛ از سوی دیگر، معابر جمع معبر است که در فارسی معادل راهها است (جعفری لنگرودی، ج ۵/ص ۳۴۰۷). همچنین، باید توجه داشت که یک مکان خصوصی که بنا به دلایل خاص نظیر برگزاری جشن یا عزای عمومی، ورود افراد به

1. The High Court.
 2. Compound offence.
 3. Habitual offence.
 4. Hills [2001].
 5. Repetition of behaviour.

آنجا آزاد اعلام شده است، در صورتی که برای طبقه‌ای از افراد بسیار محدود نباشد، مکانی عمومی به شمار می‌آید (میرمحمد صادقی، ۱۳۹۲، ص ۱۷۸).

در حال لزوم ارتکاب رفتار فیزیکی مربوط در اماکن عمومی و معابر به این معنا نیست که این جرم باید در ملاءعام انجام گیرد؛ همین اندازه که محل ارتکاب جرم این قابلیت بالقوه را داشته باشد که اشخاص در آنجا حضور به هم رسانند، کافی است، هر چند که در لحظه ارتکاب جرم، هیچ شخصی به‌عنوان شاهد در محل ارتکاب وجود نداشته باشد (برای ملاحظه نظر موافق، ر.ک. زراعت، ۱۳۹۲، ص ۳۹۰).

شرط لازم دیگر برای تحقق جرم ماده ۶۱۹ قانون تعزیرات ۱۳۷۵، طفل یا زن بودن بزه‌دیده است. واژه طفل اعم از دختر و پسر است و مطابق با ماده ۱۴۷ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، دخترانی که به سن ۹ سال تمام قمری نرسیده‌اند و نیز پسرانی را که سن آن‌ها کمتر از ۱۵ سال تمام قمری است، می‌توان طفل محسوب کرد.

اما درباره جرم مزاحمت تلفنی، موضوع ماده ۶۴۱ قانون تعزیرات ۱۳۷۵، شرط تحقق جرم آن است که رفتار مرتکب از طریق «تلفن یا دستگاه‌های مخابراتی دیگر» انجام گیرد. واژه تلفن شامل هر دو نوع تلفن ثابت و همراه می‌شود، اما اصطلاح دستگاه‌های مخابراتی، دستگاه‌هایی از قبیل بی‌سیم، فاکس و رایانه را دربرمی‌گیرد.

از دیگر شرایطی که در هر دو گونه اشاره شده از جرم مزاحمت درخور بررسی است، مربوط به مرتکب این جرم می‌شود. سؤالی که در اینجا مطرح می‌شود، این است که آیا مرتکبان جرایم مزاحمت، فقط مردان (آن‌هم مردان نامحرم) هستند، یا این که این جرایم از سوی زنان نیز قابل ارتکاب‌اند؟ در پاسخ به این سؤال از یک‌سو، اداره حقوقی قوه قضائیه در نظریه شماره ۷/۱۰۱۵۳ مورخ ۱۳۷۹/۱۱/۱۰ درباره جرم ماده ۶۱۹ قانون تعزیرات ۱۳۷۵ صرفاً با تأکید بر «افراد نامحرم» (که معنای مردان نامحرم را به ذهن متبادر می‌سازد) به شرح زیر اظهار نظر کرده است:

«فلسفه تصویب ماده ۶۱۹ قانون مجازات اسلامی [قانون تعزیرات ۱۳۷۵] که از جمله جرایم عمومی و غیرقابل‌گذشت است، آن است که افراد نامحرم مزاحم زنان و کودکان نشوند اما اگر کسی همسر یا فرزند خود را تعقیب کند و مصرانه در کوی و برزن پیگیر آن‌ها شود، مرتکب جرمی نشده است»

و از سوی دیگر، درباره جرم مزاحمت تلفنی، آرای دادگاه‌های کیفری دلالت بر آن دارند که رویه قضایی واحدی وجود ندارد. در همین راستا، آرای زیر درخور توجه‌اند:

دادنامه شماره ۹۱۰۹۹۷۰۰۰۸۰۰۷۶۱ مورخ ۱۳۹۱/۷/۱۵، شعبه ۱۰۷۲ دادگاه عمومی

جزایی تهران:

«...راجع به اتهام مزاحمت تلفنی، نظر به مستند ابرازی از سوی وی [متهم] و وکیل ایشان که دلالت بر برقراری علقه زوجیت منقطع بین وی و واخوانده دارد و این امر از سوی واخوانده در دادسرا و مرحله اولیه رسیدگی این محکمه مورد کتمان قرار گرفته بوده و هرچند پیامک‌های ارسالی نیز متعدد است ولی با توجه به وجود علقه زوجیت، به هیچ وجه دلالتی بر مزاحمت ندارد...» (پژوهشگاه قوه قضائیه، ۱۳۹۳، ص ۸۲)

در مرحله بعد، رأی فوق از سوی شعبه ۹ دادگاه تجدیدنظر استان تهران نیز مورد تأیید قرار گرفت. همچنین، شعبه ۳۴ دادگاه تجدیدنظر استان تهران با این استدلال که تحقق بزه مزاحمت تلفنی زوج علیه زوجه یا برعکس به علت وجود رابطه زوجیت بین طرفین فاقد مبنای شرعی و حقوقی است، رأی شعبه ۱۱۲۶ دادگاه عمومی جزایی تهران، مبنی بر محکومیت متهم به تحمل شش ماه حبس تعزیری بابت مزاحمت تلفنی، را نقض کرده است (دادنامه شماره ۹۱۰۹۹۷۰۲۲۳۴۰۱۷۶۱ مورخ ۱۳۹۱/۱۱/۰۸؛ پژوهشگاه قوه قضائیه، ۱۳۹۳، ص ۸۲).

با این حال، شعبه ۱۱۷۹ دادگاه عمومی تهران در رأی، وقوع بزه مزاحمت تلفنی زن علیه شوهر را محرز تشخیص داده است و در واقع، ضمن این که مزاحمت تلفنی همسر علیه شوهر را قابل رسیدگی دانسته، علقه زوجیت را مانع از تحقق این بزه تلقی نکرده است. این رأی هم از سوی دادگاه تجدیدنظر استان تهران تأیید شده است (دادنامه شماره ۹۱۰۹۹۷۰۲۲۳۱۰۱۵۶۸ مورخ ۱۳۹۱/۱۱/۳۰، شعبه ۳۱ دادگاه تجدیدنظر استان تهران؛ پژوهشگاه قوه قضائیه، ۱۳۹۳، ص ۸۴).

به نظر می‌رسد که مفاد رأی اخیرالذکر پذیرفتنی‌تر باشد، به‌ویژه که استفاده از عبارت «هر کس» در ماده ۶۱۹ و واژه «کسی» در ماده ۶۴۱، حکایت از آن دارند که مرتکب این جرایم لازم نیست، مرد (و نامحرم) باشد، بلکه ارتکاب آن از سوی هرکسی، اعم از مرد (خواه محرم یا نامحرم) و زن، امکان‌پذیر دانسته شده است.^۱

۱. برخی بر این باورند که واژه هر کس در ماده ۶۱۹ «قت.ت» ۱۳۷۵ شامل زنان نیز می‌شود، اما درعین حال اشاره کرده‌اند که تفسیر منطقی قانون، مقتضی آن است که مرتکب جرم را منحصر در مردان نماییم؛ (زراعت، عباس، ۱۳۹۲، ص ۳۹۰). نویسندگان معتقدند که این نظر با اطلاق ماده مذکور مغایرت دارد، و دلیلی بر محدود کردن مرتکبان این جرم به مردان وجود ندارد.

اما درباره شرایط لازم برای جرم مزاحمت در انگلستان، باید دانست که تحقق جریان رفتاری با صرف محاسبه شمار رویدادها کافی نخواهد بود، بلکه بر اساس پرونده پتل به سال ۲۰۰۵^۱، باید بین دو واقعه پیوندی وجود داشته باشد، از نظر نوع، زمینه و همجواری، تا جریان رفتاری برابر با مزاحمت تلقی شود (See also Card, 2012, P. 221). در همین راستا، هراندازه رویدادها بیشتر باشند، تحقق جریان رفتاری آسان‌تر خواهد بود. درجایی که رویدادهای کمتری وجود دارند، تنها در صورتی که موضوع رابطی را دارا باشند، برابر با جریان رفتاری خواهد بود (هرینگ، ۱۳۹۲، ص ۹۱). بنابراین، روشن می‌شود که رویدادهای موردنظر باید از نظر ماهیت و زمان ارتکاب به گونه‌ای باشند که بتوانند تشکیل دهنده جریان رفتاری واحدی به شمار آیند، نه این که کاملاً مستقل از یکدیگر و بی‌ارتباط باهم قلمداد گردند. در همین راستا، در پرونده لائو علیه دادستان به سال ۲۰۰۰^۲، متهم به بزه دیده سیلی زد و چهار ماه بعد، دوست پسر جدید بزه دیده را تهدید به خشونت کرد. مقرر شد که مجموعه اعمال متهم تشکیل دهنده جریان رفتاری نیستند؛ زیرا رویدادها از لحاظ زمانی دور از هم بودند و از حیث ماهیت نیز متفاوت قلمداد می‌شدند (See Herring, 2012, P. 353).

در اینجا، باید متذکر شد که در فقرة شدیدتر جرم مزاحمت (مذکور در ماده ۴ قانون حمایت در مقابل مزاحمت ۱۹۹۷) که مقید به ایجاد ترس از خشونت در بزه دیده است و می‌توان از آن به مثابه «مزاحمت مشدد»^۳ یاد کرد، و در ماده ۴ «الف» قانون حمایت در مقابل مزاحمت ۱۹۹۷ زیر عنوان «دنبال کسی افتادن»^۴ به طور خاص تر جرم انگاری شده است، هیچ نیازی نیست که خشونت مورد ترس، قریب‌الوقوع باشد (For Further Reading See, Padfield, 2012, PP. 252 & 253; Cross, 2010, PP. 101 & 102; Baird, 2015, P. 59). بر این اساس، اگرچه در مواردی، رفتار ارتكابی ممکن است با هر دو عنوان تهاجم ساده^۵ و مزاحمت تعقیب‌شدنی باشد اما لزوم یا عدم لزوم شرط یادشده به مرجع رسیدگی کننده کمک خواهد کرد تا این دو جرم را از یکدیگر تفکیک کند.

1. Patel [2005] CrimLR 649.

2. Lau v DPP [2000].

3. Aggravated harassment.

4. Stalking.

۵. جرم تهاجم ساده درجایی مصداق دارد که متهم موجب می‌شود که بزه‌دیده از اعمال «قریب‌الوقوع» خشونت غیرقانونی نسبت به جسم خود بهراسد؛ (ر.ک. کراس، ۱۳۹۳، ص ۱۸۴).

۳-۴- نتیجه مجرمانه

جرائم مزاحمت در نظام کیفری ایران را باید در زمره جرایم مقید به شمار آورد، به این معنا که ضروری است تا رفتار مرتکب به نتیجه خاص مورد نظر قانونگذار بینجامد. در این راستا برخی درباره جرم مزاحمت تلفنی اظهار داشته‌اند که اعمال ارتكابی در صورتی جرم محسوب می‌شود که منتهی به مزاحمت شود و مزاحمت که نتیجه آن رفتار است، مفهومی عرفی است که حسب مورد باید با لحاظ نفس رفتار، شخصیت طرف، زمان ارتكاب، دفعات اقدام، نوع وسیله ارتكاب و امثال آن‌ها ارزیابی شود؛ در هر حال، وقوع مزاحمت به عنوان نتیجه اعمال مرتکب شرط است (آقایی‌نیا، ۱۳۹۲، ص ۲۲۸). همچنین، دیوان عالی کشور در رأی وحدت رویه شماره ۷۲۱ مورخ ۱۳۹۰/۴/۲۱ در خصوص صلاحیت قضایی جرم مزاحمت تلفنی، به مقید بودن این جرم اشاره دارد:

«وقوع بزه مزاحمت برای اشخاص به وسیله تلفن یا دستگاه‌های مخابراتی دیگر - موضوع ماده ۶۴۱ قانون مجازات اسلامی [قانون تعزیرات ۱۳۷۵] - منوط به آن است که نتیجه آن که مقصود مرتکب است، محقق گردد، بنابراین، در مواردی که اجرای مزاحمت از یک حوزه قضایی شروع و نتیجه آن در حوزه قضایی دیگر حاصل شود، محل حدوث نتیجه مزبور، محل وقوع جرم محسوب و مناط صلاحیت دادگاه رسیدگی کننده نیز همین امر خواهد بود...»

مطالب بالا درباره جرم ماده ۶۱۹ قانون تعزیرات ۱۳۷۵ نیز صادق است. به دیگر سخن، همان طور که در بحث از رفتار فیزیکی جرایم مورد بحث اشاره شد، لازم است مرتکب رفتاری را انجام دهد که برای دیگری ایجاد مزاحمت کند و در واقع، مزاحمت نتیجه رفتار مرتکب است، نه این که خود رفتار فیزیکی جرم تلقی شود و بدین سان، بی‌نیاز از هرگونه نتیجه‌ای باشد. در جهت تقویت این دیدگاه، مقایسه‌ای کوتاه بین جرم ایجاد مزاحمت و جرم ایراد جراحات^۱، به عنوان یکی از مصادیق تهاجم‌های جسمانی، مفید است. در جرم اخیر، جراحات یا جرح در واقع، نتیجه رفتار مجرمانه مهاجم است و ارتكاب رفتارهای گوناگونی، از قبیل چاقو زدن به پای بزه‌دیده، می‌تواند منتهی به نتیجه پیش گفته شود. به طور مشابهی، در جرایم مزاحمت، شامل مزاحمت خیابانی و تلفنی، رفتارهای مختلفی ممکن است به مزاحمت برای دیگری منتج شوند؛ برای مثال، شخصی را در نظر بگیرید که با انگیزه‌های جنسی و به وسیله اتومبیل خود آهسته در مجاورت زن جوانی حرکت می‌کند و تلاش می‌نماید تا او را سوار کند. در اینجا، رفتار فیزیکی جرم مزاحمت

۱. برای مطالعه بیشتر درباره این جرم در حقوق کیفری انگلستان، ر.ک. کار و جانسن، ۱۳۹۶، صص ۱۹۲-۱۸۴.

خیابانی به‌صورت سعی در سوار کردن زن موردنظر جلوه‌گر می‌شود که نتیجه آن، مزاحمت برای بزه‌دیده است. به همین ترتیب، فرض کنید، شخصی مکرر با دیگری تماس تلفنی برقرار می‌نماید و به‌محض این که طرف مقابل تلفن را برمی‌دارد، قطع می‌کند. در این فرض، رفتار فیزیکی جرم مزاحمت تلفنی عبارت است از برقراری تماس تلفنی و قطع کردن آن، اما نتیجه‌ای که از این رفتار حاصل می‌شود، همانا مزاحمت برای دیگری است. در این دو مثال، هرگاه طرف مقابل زن بدکاره خیابانی یا تلفنی باشد که به‌طور معمول سوار اتومبیل دیگران می‌شود یا از طریق برقراری تماس تلفنی با دیگران ارتباط برقرار می‌کند، منوط به این که شخص با استمرار بخشیدن به رفتار خود، یعنی اصرار در سوار کردن زن یا برقراری تماس‌های تلفنی مکرر با او، تمایل قطعی‌اش را بروز دهد، حسب مورد جرم مزاحمت خیابانی یا تلفنی محقق نمی‌شود.

در نظام کیفری انگلستان، به‌موجب ماده ۱ از قانون حمایت در مقابل مزاحمت ۱۹۹۷، جریان رفتاری مربوط باید برابر یا شامل مزاحمت دیگری شود؛ به‌عبارت‌دیگر، جرم مزاحمت در این نظام کیفری نیز مستلزم تحقق نتیجه به شرح پیش‌گفته است. با این وجود، باید توجه داشت که لازم نیست، هر رویداد تشکیل‌دهنده جریان رفتاری فی‌نفسه موجب مزاحمت شود، بلکه آنچه حائز اهمیت است، این است که جریان رفتاری باعث مزاحمت شده باشد؛ بنابراین، اگر مرتبه اول، متهم به طرز عجیب‌وغریبی با بزه‌دیده رفتار کند، بزه‌دیده با خنده آن را از سرخود باز کند، اما مرتبه دومی که متهم این کار را انجام می‌دهد، بزه‌دیده آشفته‌خاطر گردد، جرم مزاحمت محقق شده است (Elliott & Quinn, 2014, P. 168; Herring, 2010, P. 70).

افزون بر این، مطابق با بند ۲ ماده ۷ قانون حمایت در مقابل مزاحمت ۱۹۹۷، مزاحمت برای اشخاص، ایجاد تألم یا هراس در آن‌ها را دربرمی‌گیرد. در این مورد، دادگاه‌های انگلستان ناگزیر شده‌اند که بین گرم گرفتن ناهنجار و مزاحمت تمایز قائل شوند؛ به‌عنوان نمونه در پرونده کینگ علیه دادستان به سال ۲۰۰۱^۱، مردی نامه بلند بالایی به زنی نوشت، از او سؤال کرد که آیا متمایل به رابطه جنسی هست یا خیر، و نهال گلابولی را به‌عنوان هدیه به زن داد. مقرر شد که این مورد مزاحمت نبوده است. با این حال، نامه‌های مکرر یا هدایای پرزرق‌وبرق یا نامناسب می‌توانستند مزاحمت تلقی شوند (See also, Loveless, 2012, P. 573; Herring, 2002, PP. 151&152).

اما درباره مزاحمت مشدد، طبق ماده ۴ از قانون یادشده، نتیجه مجرمانه به‌صورت ترس از خشونت جلوه‌گر می‌شود. در واقع، در این فقره از جرم مزاحمت، جریان

1. King v DPP [2001] ACD 7.

رفتاری باید موجب آن شود که بزه‌دیده از اعمال خشونت علیه خودش به وحشت بیفتد (See Storey & Lidbury, 2009, P. 147). ضمن این که مطابق با ماده ۴ «الف»، در جرم خاص دنبال کسی افتادن، ضروری است که جریان رفتاری مرتکب منتهی به ترس از خشونت یا هراس یا تألم شدید^۱ در بزه‌دیده گردد.

۵. عنصر روانی مزاحمت

جرائم مزاحمت در هر دو نظام کیفری مورد بحث مستلزم هر دو جزء سوء نیت عام و سوء نیت خاص است؛ از این رو، در نظام کیفری ایران و در جرم ماده ۶۱۹ قانون تعزیرات ۱۳۷۵، مرتکب باید در ارتکاب رفتار خود قاصد باشد؛ به این معنا که رفتار فیزیکی جرم را عمداً انجام دهد (سوء نیت عام)، و افزون بر آن، قصد ایجاد مزاحمت برای طفل یا زن مورد نظر را هم داشته باشد (سوء نیت خاص). پس اگر مردی به‌طور ناشناس و به‌دفعات زنی را تعقیب کند، اما این کار را به این دلیل انجام دهد که شوهر زن برای شناسایی اشخاص مزاحم در مسیر رفت‌وآمد همسرش به محل کار و احتمالاً مقابله با آنها، از او درخواست کمک کرده است، هر چند در ارتکاب رفتار خود عاقد بوده، ولی به علت فقدان سوء نیت خاص به شرح یادشده، مرتکب جرم ماده ۶۱۹ قانون تعزیرات ۱۳۷۵ نشده است. در مقابل، چنانچه مردی، زن متأهلی را که فرزندش همراه اوست، در خیابان تعقیب کند و اصرار به دادن شماره تلفن خود برای دوستی با وی کند، سوء نیت خاص مرتکب احراز شدنی است. در چنین موردی، شعبه ۲۱ دادگاه تجدیدنظر استان تهران، رأی دادگاه بدوی مبنی بر محکومیت مرتکب به علت جرم مزاحمت، به استناد ماده ۶۱۹ قانون تعزیرات ۱۳۷۵، را تأیید کرده و رفتار ارتكابی را مصداق ایجاد مزاحمت برای بانوان قلمداد کرده است (دادنامه شماره ۹۲۰۹۹۷۰۲۲۲۱۰۰۰۴۲ مورخ ۱۳۹۲/۱/۲۰؛ پژوهشگاه قوه قضائیه، ۱۳۹۴، ص ۲۴).

در مورد جرم مزاحمت تلفنی، موضوع ماده ۶۴۱ قانون تعزیرات ۱۳۷۵، نیز لازم است، قصد مرتکب در برقراری ارتباط با دیگری از طریق تلفن یا دستگاه‌های مخابراتی احراز شود (سوء نیت عام)؛ به طوری که اگر شخصی که در مواقع استراحت بنا به عادت تلفن همراهش را در کنار خود قرار می‌دهد، در زمان خواب روی آن بغلتد و موجب شود که تلفن با مخاطبی تماس برقرار کند، فاقد سوء نیت عام خواهد بود. همچنین، قصد ایجاد مزاحمت برای دیگری ضروری است (سوء نیت خاص)، به گونه‌ای که اگر شخصی رفتار فیزیکی لازم برای جرم مزاحمت تلفنی را انجام دهد، به‌طور مثال، مکرراً با شماره تلفنی تماس برقرار کند، اما قصد مزاحمت نداشته

1. Fear of violence or serious alarm or distress.

باشد، بلکه تصور می‌کرده است که شماره موردنظر متعلق به یکی از نزدیکانش است و درواقع، در گرفتن شماره بی‌دقتی کرده باشد، به علت جرم مزاحمت تعقیب‌شدنی نیست. در همین راستا، دادگاه تجدیدنظر استان تهران در یکی از آرای خود، ضمن نقض رأی دادگاه بدوی، بر لزوم احراز سوء نیت تأکید کرده و صرف چند بار ارتباط تلفنی آن‌هم در صورتی که متن اظهارات و مکالمات ارائه نشده و ارتباطات به جهت ارتباط کاری بوده و فاقد عنصر سوء نیت باشند، مزاحمت تلفنی محسوب نکرده است (دادنامه شماره ۹۲۰۹۹۷۰۳۳۸۰۰۳۶۲ مورخ ۱۳۹۲/۳/۲۵، شعبه ۵۵ دادگاه تجدیدنظر استان تهران؛ پژوهشگاه قوه قضائیه، ۱۳۹۴، صص ۲۶۰ و ۲۶۱).^۱

در مقابل، در نظام کیفری انگلستان، در جرم مزاحمت ساده بر اساس شق «ب» بند ۱ و بند ۱ «الف» ماده ۱ قانون حمایت در مقابل مزاحمت ۱۹۹۷، عنصر روانی مرتکب لازم است به این صورت جلوه کند که وی می‌داند یا می‌بایست بداند که جریان رفتاری‌اش برابر یا شامل مزاحمت برای دیگری است. در خصوص این که آیا شخص متهم آگاه بوده که جریان رفتاری‌اش باعث مزاحمت برای دیگری بوده است، مطابق با بند ۲ ماده ۱ از قانون مذکور، ضابطه‌ای عینی مدنظر قرار می‌گیرد، طوری که اگر شخص متعارف با دارا بودن اطلاعات یکسان متوجه بوده که جریان رفتاری برابر یا شامل مزاحمت برای دیگری است، متهم نیز باید از این امر آگاه بوده باشد. از این رو، اگر متهم ادعا یا حتی اثبات کند که متوجه نبوده، بزه‌دیده به خاطر آنچه وی انجام می‌داده است، متألم می‌شود، بلکه فقط قصد داشته که به نوعی ابراز علاقه کند، دارای دفاعی نخواهد بود، مادامی که شخص متعارف آگاه بوده که بزه‌دیده در نتیجه عمل مربوط آزار می‌دیده است.

در این مورد این که آیا شخص متعارف باید دارای ویژگی‌های متهم باشد یا خیر، در پرونده کولوهان به سال ۲۰۰۱ مقرر شد که شخص متعارف در این زمینه، شخص متعارف فرضی^۲ است و از خصوصیات متهم برخوردار نیست. در این پرونده، متهم که مبتلا به روان گسیختگی

۱. برخی نویسندگان اظهار داشته‌اند که عنصر معنوی این جرم، سوء نیت عام است؛ یعنی همین که مرتکب بداند، عمل او خلاف قانون است و آن را انجام دهد، مشمول این ماده می‌شود، اما این که قصد مزاحمت نیز به‌عنوان سوء نیت خاص لازم است یا خیر؟ به نظر می‌رسد که این هدف به‌عنوان سوء نیت خاص لازم نیست، بلکه ممکن است شخص مزاحم چنین هدفی نداشته باشد؛ مثلاً برای ازدواج با دختری مرتب با منزل وی تماس بگیرد و از آنان سلب آسایش کند. (زراعت، ۱۳۸۸، ص ۴۶۳) پذیرش این دیدگاه، افزون بر این که با لزوم سوء نیت خاص در جرایم مقید سازگار نیست، دارای این اشکال است که باعث می‌شود، در تحقق جرم مزاحمت صرفاً به عمد در رفتار فیزیکی توجه شود و لذا محکومیت اشخاص به خاطر این جرم آسان‌تر گردد.

2. Colohan [2001] EWCA Crim 1251.

3. A hypothetical reasonable person.

بود، تعدادی نامه تهدیدآمیز به نماینده پارلمان نوشت. در نتیجه این عمل، به موجب مواد ۱ و ۲ از قانون حمایت در مقابل مزاحمت ۱۹۹۷، متهم به ارتکاب جرم شد. در مرحله رسیدگی به تجدیدنظرخواهی اش استدلال کرد که در بررسی این که آیا باید می دانسته که رفتارش برابر با مزاحمت بوده است یا خیر، باید به هیئت منصفه بیان شود که بررسی کنند، شخص متعارف مبتلا به روان گسیختگی از چه چیزی آگاهی داشته است. با این وجود، دادگاه تجدیدنظر اظهار داشت که روان گسیختگی متهم در تصمیم گیری درباره این که آیا شخص متعارف تصور می کرده که رفتار متهم برابر با مزاحمت است یا خیر، نمی توانسته است، مدنظر قرار گیرد. (For Further Analysis See, Herring, 2012, PP. 354 & 355; Card, 2012, P. 225).

وضعیت عنصر روانی در جرم مزاحمت مشدد، با آنچه بیان شد، مشابه است. مطابق با ماده ۴ از قانون حمایت در مقابل مزاحمت ۱۹۹۷، درجایی که متهم می داند یا می بایست بداند که جریان رفتاری اش موجب خواهد شد که بزه دیده بهر اسد از این که خشونت علیه او به کار گرفته خواهد شد، عنصر روانی این شق از مزاحمت احراز می گردد. ضابطه شخص متعارف به شرح پیش گفته در اینجا نیز مورد توجه قرار می گیرد، در تشخیص این که آیا متهم در شرایط مورد نظر می بایست از ترس بزه دیده آگاه بوده باشد یا خیر (See Ashworth, 2006, P. 325; Clarkson, 2005, P. 182). ناگفته نماند که در خصوص جرم خاص دنبال کسی افتادن، طبق ماده ۴ «الف» از قانون یادشده، عنصر روانی مشابهی لازم دانسته شده است؛ با این تفاوت که آگاهی یا لزوم آگاهی متهم، یا شخص متعارف (حسب مورد)، باید نسبت به ترس از خشونت، هراس یا تألم شدید بزه دیده معطوف شده باشد.

۶. مجازات مزاحمت

در حقوق ایران، به موجب ماده ۶۱۹ قانون تعزیرات ۱۳۷۵، جرم مزاحمت برای اطفال و زنان مستوجب محکومیت به حبس از دو تا شش ماه و تا ۷۴ ضربه شلاق خواهد بود. حبس مندرج در این ماده به میزانی است که می تواند مشمول مجازات های جایگزین حبس و یا قانون وصول برخی از درآمدهای دولت و مصرف آن در موارد معین ۱۳۷۳ (ر.ک. نظریه مشورتی شماره ۷/۳۲۹۹ مورخ ۱۳/۶/۱۳۷۶ از اداره حقوقی قوه قضائیه) گردد. در این مورد، ماده ۶۶ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ باید مورد توجه قرار گیرد؛ زیرا این ماده تصریح دارد که مرتکبان جرایم عمدی که حداکثر مجازات قانونی آن ها نودویک روز تا شش ماه حبس است، به جای حبس به مجازات جایگزین حبس محکوم می گردند، مگر این که به دلیل ارتکاب جرم عمدی دارای

سابقه محکومیت کیفری به شرح مذکور در این ماده باشند و از اجرای آن پنج سال نگذشته باشد. در این راستا، دادگاه تجدیدنظر استان قم، رأی شعبه ۱۰۵ دادگاه عمومی جزایی قم مبنی بر محکومیت متهم به ۹۱ روز حبس و ۴۰ ضربه شلاق به علت ایجاد مزاحمت برای بانوان مستنداً به ماده ۶۱۹ قانون تعزیرات ۱۳۷۵ را نقض کرده است، صرفاً از حیث عدم تعیین مجازات جایگزین حبس و نیز عدم تعلیق مجازات شلاق، و به موجب مواد ۶۶ و ۸۶ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، ضمن حذف مجازات حبس، نه میلیون ریال جزای نقدی برای مرتکب تعیین نموده و طبق ماده ۴۶ این قانون، مجازات شلاق را به مدت پنج سال معلق کرده است.^۱

نکته‌ای که نباید از نظر دور داشت، این است که پیش‌بینی مجازات‌های جایگزین حبس در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ دلیلی بر نسخ ماده ۳ قانون وصول برخی از درآمدهای دولت و مصرف آن در موارد معین ۱۳۷۳ قلمداد نشده است. مهم‌ترین مؤید این دیدگاه آن است که برای صدور حکم به مجازات‌های جایگزین حبس، وجود شرایط مقرر در ماده ۶۴ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ (از جمله، وجود جهات تخفیف) ضروری است، اما به منظور اعمال ماده ۳ یادشده، چنین شرایطی لازم نیست. بنابراین، در صورتی که شرایط مقرر در ماده ۶۴ احراز نگردند، صدور حکم به مجازات‌های جایگزین حبس امکان‌پذیر نیست، اما تبدیل حبس به جزای نقدی در محدوده ماده ۳ قانون وصول برخی از درآمدهای دولت و مصرف آن در موارد معین ۱۳۷۳ ممکن خواهد بود (ر.ک. توجهی، ۱۳۹۴، صص ۱۱۵ تا ۱۱۸). البته به نظر می‌رسد به‌رغم این که ماده ۳ قانون اخیرالذکر شامل هردوی جرایم عمدی و غیرعمدی می‌شود، اما قلمرو شمول آن به‌وسیله مواد ۶۴ و ۶۵ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ محدود شده است، به طوری که حداقل بند ۱ ماده ۳ مذکور عمدتاً درباره جرایم غیرعمدی حاکم خواهد بود. در واقع، در خصوص جرایم عمدی (با حداکثر مجازات قانونی سه ماه حبس) پیش از همه لازم است مفاد مواد یادشده از قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ لحاظ گردند.

مجازات جرم مزاحمت تلفنی، طبق ماده ۶۴۱ قانون تعزیرات ۱۳۷۵، حبس از یک تا شش ماه است، ضمن این که مقررات خاص شرکت مخابرات نیز به موقع اجرا گذاشته می‌شوند. منظور از مقررات خاص شرکت مخابرات، تبصره ۲ ماده ۱۴ قانون تأسیس شرکت مخابرات ایران ۱۳۶۴ است:

۱. دادنامه شماره ۹۳۰۹۹۷۲۵۱۸۳۰۰۲۶۹ مورخ ۱۳۹۳/۰۳/۲۹، شعبه سوم دادگاه تجدیدنظر استان قم، مطالعه موردی. به نظر می‌رسد که تعلیق مجازات شلاق از سوی دادگاه تجدیدنظر انتقادپذیر باشد، از آنجاکه تعلیق مجازات به موجب ماده ۴۶ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ اختیاری است.

«هر کس وسیلهٔ مخابراتی در اختیار خود را، وسیلهٔ مزاحمت دیگری قرار دهد، یا با عمد و سوء نیت ارتباط دیگری را مختل کند، برای بار اول پس از کشف، ارتباط تلفنی او به مدت یک هفته همراه با اخطار کتبی قطع و تجدید ارتباط مستلزم پرداخت هزینه‌های مربوطه خواهد بود. برای بار دوم پس از کشف، ارتباط تلفنی او به مدت سه ماه همراه با اخطار کتبی قطع و تجدید ارتباط مستلزم تقاضای مشترک و پرداخت هزینه‌های مربوطه خواهد بود و برای بار سوم، شرکت ارتباط تلفنی وی را به‌طور دائم قطع و اقدام به جمع‌آوری منصوبات تلفن نموده و ودیعهٔ مربوط به مشترک را پس از تسویه حساب مسترد خواهد نمود.»

افزون بر این، مجازات حبس مندرج در مادهٔ ۶۴۱ قانون تعزیرات ۱۳۷۵ نیز ممکن است مشمول مجازات‌های جایگزین حبس گردد، منوط به این‌که الف) شرایط مقرر در مادهٔ ۶۴ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ احراز گردند؛ ب) مفاد مواد ۶۶ و ۸۶ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ در نظر گرفته شوند.

در حقوق انگلستان، به‌موجب بند ۲ مادهٔ ۲ قانون حمایت در مقابل مزاحمت ۱۹۹۷، مجازات جرم مزاحمت ساده عبارت است از: حبس برای مدتی که متجاوز از ۶ ماه نباشد، یا جزای نقدی که از سطح ۵ در مقیاس پذیرفته‌شده تجاوز نکند، یا هردوی این مجازات‌ها. اما جرم مزاحمت مشدد مطابق با مادهٔ بند ۴ مادهٔ ۴ از قانون یادشده، در موارد محکومیت برحسب کیفرخواست^۱، مستوجب مجازات مرتکب به حداکثر ۵ سال حبس، جزای نقدی، و یا هردوی آن‌ها است، درحالی‌که در محکومیت اختصاری^۲، مجازات‌های قابل‌اعمال عبارت‌اند از: حبس تا حداکثر ۶ ماه، جزای نقدی که از حداکثر مقرر قانونی فراتر نرود یا هر دو مجازات (See Also Hooper&Ormerod, 2011, pp.248&288; Wells&Quick, 2010, P.190) در جرم خاص دنبال کسی افتادن نیز وضعیت مشابهی حاکم است؛ با این تفاوت که در محکومیت اختصاری، میزان حبس تا حداکثر ۱۲ ماه در نظر گرفته شده است (ر.ک. بند ۵ مادهٔ ۴ «الف» از قانون حمایت در مقابل مزاحمت ۱۹۹۷).

مسئلهٔ درخور توجه این است که بر اساس بند ۵ مادهٔ ۴ قانون حمایت در مقابل مزاحمت ۱۹۹۷، درجایی که شخصی به اتهام جرم مزاحمت مشدد (مادهٔ ۴ از این قانون) و به‌موجب کیفرخواست مورد محاکمه قرار می‌گیرد، در صورتی که هیئت منصفه، وی را به علت جرم مورد

1. On conviction on indictment.
2. On summary conviction.

اتهام تقصیر کار تشخیص ندهد، می‌تواند متهم را به خاطر جرم مزاحمت ساده (ماده ۲ از قانون مورد بحث) مقصر اعلام کند.

۷. وجوه افتراق و اشتراک نظام‌های کیفری

مهم‌ترین وجوه افتراق و اشتراک نظام‌های کیفری ایران و انگلستان در بحث از جرم مزاحمت در جدول زیر جستجو شدنی هستند:

مزاحمت: تهاجمی علیه تمامیت روانی اشخاص
الف) عنصر قانونی
در حقوق ایران، قانونگذار دو مصداق خاص از مزاحمت را جرم انگاری کرده و عنصر قانونی مشخصی برای آن‌ها در نظر گرفته است اما در حقوق انگلستان، علی‌رغم تفکیک مزاحمت ساده از مشدد، عنصر قانونی جرم مزاحمت دارای قلمرو گسترده‌ای می‌باشد، و محدود به گونه خاصی از مزاحمت نشده است.
ب) عنصر مادی
۱. هرچند که رفتار فیزیکی لازم برای تحقق جرایم مزاحمت در نظام کیفری ایران به نوع خاصی محدود نشده است و شامل هرگونه رفتار ایجادکننده مزاحمت می‌شود؛ با این وجود، رفتار فیزیکی باید فعل مثبت باشد، نه ترک فعل؛ ضمن این که، نیازی به تکرار ندارد. در مقابل، در نظام کیفری انگلستان، رفتار فیزیکی جرایم مزاحمت زیر عنوان «جریان رفتاری» درخور بررسی است، که خود مستلزم تکرار رفتار حداقل در دو مورد است. ۲. در ایران، شرایط لازم برای تحقق جرایم مزاحمت حسب مورد عبارت‌اند از: انجام رفتار فیزیکی مربوط در اماکن عمومی یا معابر، طفل یا زن بودن بزه‌دیده و استفاده از تلفن یا سایر دستگاه‌های مخابراتی. این در حالی است که ارتکاب جرایم مزاحمت در انگلستان منوط به شرایط یادشده نیست، بلکه صرفاً لازم است که بین دو واقعه موردنظر پیوندی وجود داشته باشد، از نظر نوع، زمینه و همجواری تا این که جریان رفتاری برابر با مزاحمت به شمار آید. ۳. جرایم مزاحمت در هر دو نظام کیفری مورد بحث در زمره جرایم مقید محسوب می‌شوند، به این معنا که رفتار یا جریان رفتاری مرتکب باید منتهی به مزاحمت برای دیگری شود. البته، در حقوق انگلستان، برای تحقق مزاحمت مشدد، نتیجه مجرمانه باید به صورت ترس از خشونت جلوه کند.
پ) عنصر روانی
عنصر روانی جرایم مزاحمت در نظام کیفری ایران، مستلزم سوء نیت عام (عمد در رفتار فیزیکی) و سوء نیت خاص (قصد ایجاد مزاحمت برای دیگری) هستند. در نظام کیفری انگلستان، عنصر روانی جرایم مزاحمت، به این صورت جلوه می‌کند که مرتکب می‌داند یا می‌بایست بداند که جریان رفتاری اش برابر با یا شامل مزاحمت برای دیگری است، یا موجب خواهد شد که بزه‌دیده از این که خشونت علیه او به کار گرفته خواهد شد، بهراسد.
ت) مجازات
در حقوق ایران، مجازات جرم مزاحمت برای اطفال و زنان عبارت است از: حبس از دو تا شش ماه و تا ۷۴ ضربه شلاق، و مجازات جرم مزاحمت تلفنی، حبس از یک تا شش ماه (به همراه اجرای مقررات خاص شرکت مخابرات) است. در حقوق انگلستان، مجازات‌های جرایم مزاحمت حسب مورد عبارت‌اند از: حبس تا حداکثر ۶ ماه، ۱۲ ماه یا ۵ سال، جزای نقدی که از سطح ۵ در مقیاس پذیرفته شده یا حداکثر مقرر قانونی فراتر نرود، یا هر دو مجازات حبس و جزای نقدی.

نتیجه‌گیری

بررسی رویکرد نظام‌های کیفری ایران و انگلستان روشن می‌سازد که تمرکز قانونگذار ایرانی به گونه‌های خاص جرم مزاحمت معطوف شده است، بدون این که به قلمرو وسیع جرم مزاحمت توجه کافی مبذول دارد. بر این اساس، با الهام از رویکرد نظام کیفری انگلستان، راهکارهای زیر درخور توجه هستند:

- جرم انگاری مزاحمت در مفهوم عام:

لازم است قانونگذار مزاحمت در مفهومی عام را جرم بشناسد؛ به این معنا که در یکی از مواد قانون مجازات کشور، ارتکاب هرگونه رفتار ایجادکننده مزاحمت برای اشخاص را به منزله جرم تلقی کند و برای آن ضمانت اجرای کیفری در نظر بگیرد. البته، پذیرفتنی است که انواع خاصی از جرایم مزاحمت، از قبیل مزاحمت خیابانی، به صورت خاص پیش‌بینی شوند، اما نادیده گرفتن سایر رفتارهای ایجادکننده مزاحمت و به طور خاص آسیب‌زننده به تمامیت روانی اشخاص، توجیهی ندارد.

مبنای شرعی چنین رویکردی می‌تواند در آنچه با عنوان «حرمت ایدای مؤمن» در روایات اشاره شده است. (از جمله، ر.ک. کلینی، ۱۴۰۷ ه.ق.، ج ۲/ص ۳۵۰)، جستجو شود؛ زیرا اشخاصی که موجبات ایدای بندگان مؤمن را فراهم می‌آورند، مشمول غضب پروردگار قرار می‌گیرند.

- تفکیک قائل شدن بین مزاحمت‌های ساده و مشدد:

به نظر می‌رسد، ترسیم تمایز میان مزاحمت‌های کم‌اهمیت‌تر، به مثابه مزاحمت ساده و مزاحمت‌های شدیدتر، به منزله مزاحمت مشدد، رویکرد مناسبی قلمداد شود، از آنجاکه مجازات متناسبی می‌تواند برای هر یک از آنها لحاظ شود، و بدین سان، امکان مقابله مؤثرتر با گونه‌های مختلف رفتارهای ایجادکننده مزاحمت فراهم آید.

منابع

الف - فارسی و عربی

۱. آقایی‌نیا، حسین، *جرایم علیه اشخاص (شخصیت معنوی)*، چاپ ششم، تهران، بنیاد حقوقی میزان، ۱۳۹۲.
۲. انوری، حسن و همکاران، *فرهنگ فشرده سخن*، جلد دوم، چاپ سوم، تهران، انتشارات سخن، ۱۳۸۵.
۳. ایرانی ارباطی، بابک [گردآورنده]، *مجموعه نظرهای مشورتی جزایی*، جلد اول، چاپ دوم، تهران، انتشارات مجد، ۱۳۸۶.

مزاومت؛ تهاجمی علیه تمامیت روانی اشخاص، در نظام‌های کیفری ایران و انگلستان ۷۱

۴. پژوهشگاه قوه قضائیه، *مجموعه آرای قضایی دادگاه‌های تجدیدنظر استان تهران (کیفری)*، بهمن‌ماه ۱۳۹۱، چاپ اول، تهران، مرکز مطبوعات و انتشارات قوه قضائیه، ۱۳۹۳.
۵. _____، *مجموعه آرای قضایی دادگاه‌های تجدیدنظر استان تهران (کیفری)*، بهار ۱۳۹۲، چاپ اول، تهران، مرکز مطبوعات و انتشارات قوه قضائیه، ۱۳۹۴.
۶. توجهی، عبدالعلی، *آسیب‌شناسی قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲*، چاپ اول، تهران، مرکز مطبوعات و انتشارات قوه قضائیه، ۱۳۹۴.
۷. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، *مبسوط در ترمینولوژی حقوق*، جلد اول و پنجم، چاپ چهارم، تهران، انتشارات کتابخانه گنج دانش، ۱۳۸۸.
۸. زراعت، عباس، *شرح قانون مجازات اسلامی، بخش تعزیرات - ۲*، چاپ دوم، تهران، انتشارات ققنوس، ۱۳۸۸.
۹. _____، *جرایم علیه اشخاص*، چاپ اول، تهران، انتشارات جاودانه، ۱۳۹۲.
۱۰. ژرار و فیلیزولا، ژینا، *بزه‌دیده و بزه‌دیده‌شناسی*، ترجمه روح‌الدین کرد علیوند و احمد محمدی، چاپ دوم، تهران، انتشارات مجد، ۱۳۸۸.
۱۱. کار، کلودیا و جانسن، مورین، *سرآغازی بر حقوق کیفری انگلستان و ویلز*، ترجمه امیر اعتمادی، چاپ اول، تهران، بنیاد حقوقی میزان، ۱۳۹۶.
۱۲. کراس، نوئل، *درآمدی بر حقوق کیفری و عدالت کیفری در انگلستان و ویلز*، ترجمه امیر اعتمادی، چاپ اول، تهران، انتشارات مجد، ۱۳۹۳.
۱۳. کرزون، ال. بی. و ریچاردز، پی. ایچ، *فرهنگ حقوق*، ترجمه قدیر گلکاریان و همکاران، چاپ اول، تهران، انتشارات دانشیار، ۱۳۹۰.
۱۴. کلینی، ابوجعفر محمد بن یعقوب، *الکافی*، جلد ۲، چاپ چهارم، تهران، دار الکتب الإسلامیة، ۱۴۰۷ هـ.ق.
۱۵. میرمحمد صادقی، حسین، *جرایم علیه امنیت و آسایش عمومی*، چاپ بیست و یکم، تهران، بنیاد حقوقی میزان، ۱۳۹۲.
۱۶. هرینگ، جاناتان، *مبانی حقوق کیفری انگلستان*، ترجمه امیر اعتمادی، چاپ اول، تهران، انتشارات جنگل، ۱۳۹۲.

ب - لاتین

17. Ashworth, Andrew, *Principles of Criminal Law*, Fifth Edition, New York, Oxford University Press, 2006.
18. Baird, Norman, *Q&A Criminal Law*, Tenth Edition, London, Routledge, 2015.

19. Card, Richard, *Card, Cross and Jones Criminal Law*, Twentieth Edition, London, Oxford University Press, 2012.
20. Carr, Claudia and Johnson, Maureen, *Beginning Criminal Law*, First Published, London, Routledge, 2013.
21. Clarkson, C.M.V., *Understanding Criminal Law*, Fourth Edition, London, Sweet & Maxwell, 2005.
22. Cross, Noel, *Criminal Law & Criminal Justice: An Introduction*, London, SAGE Publications Ltd, First Published 2010.
23. Elliott, Catherine & Quinn, Frances, *Criminal Law*, Tenth Edition, London, Pearson Education Limited, 2014.
24. Garner, Bryan A. et al; *Black's Law Dictionary*, Ninth Edition, New York, West Publishing Co., 2009
25. Herring, Jonathan, *Criminal Law*, Third Edition, London, Palgrave Macmillan, 2002.
26. _____, *Criminal Law Statutes 2012- 2013*, London, Routledge, First Published 2013.
27. _____, *Criminal Law, Text, Cases, and Materials*, Fifth Edition, London, Oxford University Press, 2012.
28. _____, *Criminal Law: The Basics*, First Published, London, Routledge, 2010.
29. Hooper, Anthony and Ormerod, David, *Blackstone's Criminal Practice 2012*, 22nd Edition, New York, Oxford University Press, 2011.
30. Loveless, Janet, *Complete Criminal Law; Text, Cases, and Materials*, Third Edition, London, Oxford University Press, 2012.
31. Martin, Elizabeth A., *A Dictionary of Law*, Fifth Edition, New York, Oxford University Press, 2003.
32. Martin, Jacqueline, Storey, Tony, *Unlocking Criminal Law*, Fifth Edition, London, Routledge, 2015.
33. Padfield, Nicola, *Criminal Law*, Eighth Edition, London, Oxford University Press, 2012.
34. Storey, Tony and Lidbury, Alan, *Criminal Law*, Fifth Edition, London, Routledge, 2009.
35. Wells, Celia and Quick, Oliver, *Lacey, Wells and Quick: Reconstructing Criminal Law; Text and Materials*, Fourth Edition, New York, Cambridge University Press, 2010